



اعتبار کارشناسی در رویه دادگاهها

گروه پژوهش
انتشارات چراغ دانش



فهرست کلی

۹.....	مقدمه
۱۱.....	معرفی اعتبار کارشناسی
۱۳.....	اعتبار کارشناسی
۱۵.....	مبحث اول: کارشناسی و ارکان آن
۲۸.....	مبحث دوم: قبول کارشناسی و طریقه انجام آن
۳۷.....	اعتبار کارشناسی در آرای دیوان عالی کشور
۳۹.....	مبحث اول : آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور
۶۴.....	مبحث دوم: آرای شعب دیوان عالی کشور
۱۰۵.....	اعتبار کارشناسی در آرای دادگاهها
۱۰۷.....	مبحث اول: آرای دادگاههای بدوی و تجدیدنظر
۲۱۴.....	مبحث دوم : آرای دادگاههای انتظامی قضات
۲۲۷.....	اعتبار کارشناسی در نشستهای قضائی
۲۴۱.....	اعتبار کارشناسی در نظریه‌های مشورتی
۲۵۵.....	اعتبار کارشناسی در قوانین و مقررات
۳۲۵.....	منابع و مآخذ

فهرست جزئی

۹.....	مقدمه
۱۱.....	معرفی اعتبار کارشناسی
۱۳.....	اعتبار کارشناسی
۱۵.....	مبحث اول: کارشناسی و ارکان آن
۲۸.....	مبحث دوم: قبول کارشناسی و طریقه انجام آن
۳۷.....	اعتبار کارشناسی در آرای دیوان عالی کشور
۳۹.....	مبحث اول : آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور
۳۹.....	۱. اثبات دعوی مطالبه اجرت‌المثل با معاینه و تحقیق محلی و کارشناسی
۴۲.....	۲. اصلاح شناسنامه و تبدیل تاریخ تولد با استناد به شهادت شهود و جلب نظر کارشناسی
۴۵.....	۳. مطالبه حقوق زارعانه پس از رسیدگی و کارشناسی
۴۸.....	۴. ارجاع امر به کارشناس جهت اثبات مالکیت در دعوی خلع‌ید و قلع و نزع
۵۵.....	۵. صدور حکم به بطلان معامله و استرداد ثمن با استناد به نظریه کارشناسی

۶۴	مبحث دوم: آرای شعب دیوان عالی کشور
۶۴	۱. انتخاب کارشناس توسط طرفین دعوا و قطعیت، لازم‌الاجرا شدن نظر کارشناس
۶۴	۲. عدم تعلق حق کارشناسی به محکوم علیه
۶۵	۳. صدور قرار سقوط دعوی پژوهشی به واسطه عدم تعقیب
۶۵	۴. رجوع دادگاه به اهل فن و کارشناسی برای تشخیص امر فنی
۶۵	۵. عدم تعیین وقت جهت رسیدگی کارشناسی
۶۶	۶. وجود اختلافات فاحشی بین نظریه‌های کارشناسان
۶۶	۷. تعیین کارشناسی به‌عنوان داور با حق اصلاح
۶۷	۸. عدم استناد کارشناس به دلیل موجهی برای اثبات عقیده خود
۶۷	۹. انتخاب کارشناس غیر رسمی توسط دادگاه
۶۸	۱۰. تجدید انتخاب کارشناسان از طرف دادگاه
۶۸	۱۱. سوگند یاد کردن کارشناسان اعم از رسمی و غیر رسمی
۶۹	۱۲. تکذیب ورقه استنادی توسط کارشناسان
۶۹	۱۳. شرایط انتخاب کارشناسان و تشریفات اظهار عقیده
۷۰	۱۴. عدم قاطعیت عقیده کارشناس با نافذ قراردادن عقیده توسط طرفین
۷۰	۱۵. اثبات مالکیت و تأیید دادنامه بدوی با استناد به اقرار خوانده و نظریه کارشناسی
۷۳	۱۶. ارجاع امر به کارشناسی در احراز تصرف و مالکیت و ابطال عملیات ثبتی
۷۵	۱۷. توجه به نظریه کارشناس جهت تعیین میزان خسارت در تصادف
۷۹	۱۸. پرداخت خسارت وارده به اتومبیل طبق نظر کارشناس
۸۰	۱۹. جبران خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده با استناد به نظریه کارشناسی
۸۴	۲۰. مطالبه اجرت‌المثل و خلعید با توجه به نظریه کارشناس
۸۶	۲۱. افراز و تقسیم ترکه با جلب نظر کارشناس
۹۱	۲۲. عدم تودیع دستمزد کارشناسی و آثار آن در دعوی استرداد سهم‌الارث
۹۳	۲۳. صدور حکم به خلعید با استعلام از اداره ثبت و جلب نظر کارشناس
۱۰۰	۲۴. تعیین میزان خسارت با نظر کارشناس
۱۰۲	۲۵. صدور حکم به تعمیرات اساسی مورد اجاره طبق نظر کارشناس
۱۰۵	اعتبار کارشناسی در آرای دادگاه‌ها
۱۰۷	مبحث اول: آرای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر
۱۰۷	۱. مطالبه اجرت‌المثل و تأمین دلیل وفق نظریه کارشناس
۱۱۰	۲. لزوم ذکر دقیق میزان نقص تمبر دادرسی در احطاریه رفع نقص دادخواست
۱۱۵	۳. ارجاع تعیین میزان نفقه به کارشناس

۴. موارد لزوم تجدید کارشناسی به علت انقضای مدت شش ماه از کارشناسی ۱۱۹
۵. حدود اختیارات قابل تفویض بر اساس نیابت قضائی ۱۲۱
۶. طریقت داشتن نظریه کارشناسی در خصوص حجر ۱۲۵
۷. مطالبه طلب به انضمام خسارات دادرسی با استناد به نظریه کارشناسی و استشهادیه ۱۲۹
۸. الزام خواننده به پرداخت بدهی با جلب نظر کارشناس ۱۳۲
۹. ابطال رأی کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری با ارجاع موضوع به کارشناس ۱۳۴
۱۰. جلب نظر کارشناس برای تعیین میزان اجرت‌المثل ۱۳۷
۱۱. احراز معیوب بودن مبیع با اخذ نظریه کارشناس ۱۳۸
۱۲. اثبات تصرف دیگری در ملک شخص با توسل به نظر هیئت کارشناسان ۱۴۰
۱۳. مطالبه ارزش‌البکاره با جلب نظر کارشناس ۱۴۳
۱۴. نظریه کارشناسی در جعل امضا و اعاده دادرسی ۱۴۶
۱۵. نظریه کارشناس در مطالبه اجرت‌المثل یک واحد آپارتمان ۱۴۸
۱۶. نظریه کارشناسان در تقاضای خلع‌ید بر مبنای مالکیت مشاعی (سرقفلی) ۱۵۰
۱۷. تجویز انتقال منافع با نظر کارشناسان ۱۵۳
۱۸. تعارض سند رسمی مالکیت و حکم دادگاه در دعوی مبتنی بر مالکیت ۱۵۶
۱۹. الزام خواننده به پرداخت خسارت بیمه طبق نظر کارشناس ۱۵۸
۲۰. پرداخت خسارت با جلب نظر کارشناس ۱۶۴
۲۱. مطالبه سرقفلی با جلب نظر کارشناس ۱۶۶
۲۲. اثر پرداخت به‌موقع و عدم ارائه به‌موقع رسید پرداخت هزینه کارشناسی ۱۶۹
۲۳. ضمانت اجرای عدم پرداخت دستمزد کارشناس جعل سند ۱۷۰
۲۴. احراز اصالت سند با نظر کارشناس ۱۷۲
۲۵. مطالبه خسارت و تأخیر تأدیه با استناد به نظر کارشناسان ۱۷۴
۲۶. طرح دعوا علیه شهرداری به خواسته پرداخت دو قطعه زمین با جلب‌نظر کارشناس ۱۸۰
۲۷. روال تعیین و پرداخت خسارت بابت تملک اراضی توسط شهرداری ۱۸۲
۲۸. مسئولیت مدنی به نسبت میزان تقصیر، خسارت تأخیر تأدیه با توجه به نظریه کارشناس ۱۸۴
۲۹. مسئولیت شهرداری به‌واسطه خسارات ناشی از اشجار شهری به شرح مندرج در نظریه کارشناسی ۱۸۶
۳۰. مطالبه بهای املاک متصرفی از شهرداری با ارجاع به کارشناس ۱۸۹
۳۱. تعیین میزان حق کسب و پیشه مطابق نظریه کارشناس ۱۹۱
۳۲. تعدی و تفریط در عین مستأجره به موجب نظر کارشناس ۱۹۳
۳۳. نظر هیئت کارشناسی در دعوی سرقفلی ۱۹۳
۳۴. توجه به نظریه کارشناس در تغییر شغل مستأجر ۱۹۶

۲۱۴	مبحث دوم : آرای دادگاه‌های انتظامی قضات
۲۱۴	۱. ارجاع امر تعدی در مورد اجاره به کارشناس
۲۱۴	۲. نظر کارشناس در ادعای جعل
۲۱۵	۳. عدم ابلاغ قرار کارشناسی به کارشناس
۲۱۶	۴. ارجاع تعیین بهای خواسته به کارشناس
۲۱۷	۵. عدم صدور دستور اجرای قرار کارشناسی
۲۱۸	۶. اختلاف نظر بین کارشناس خبره محلی و کارشناس منتخب
۲۱۹	۷. استحقاق کارشناس برای دریافت دستمزد
۲۱۹	۸. ممانعت از ورود کارشناس به منزل
۲۲۰	۹. عدم تشکیل جلسه برای استماع توضیحات کارشناسی
۲۲۱	۱۰. لزوم تجدید اوقات جهت اخذ توضیح از کارشناس
۲۲۱	۱۱. تکمیل نظریه کارشناسی
۲۲۲	۱۲. تفویض صلاحیت تعیین حق سرقفلی به کارشناسان
۲۲۳	۱۳. تعیین کارشناسان به تقاضای خواهان
۲۲۴	۱۴. تعیین مدت برای پرداخت دستمزد کارشناس
۲۲۵	۱۵. تخلف در ارجاع موضوع به کارشناس برای بار دوم
۲۲۷	اعتبار کارشناسی در نشست‌های قضائی
۲۲۹	۱. اجرای قرار کارشناسی از حیث ارائه محل و تهیه وسیله
۲۲۹	۲. اعتراض بر نظر کارشناس
۲۳۱	۳. عدم ممانعت اجرای قرار کارشناسی از مورد اجاره پلمپ شده
۲۳۲	۴. عدم ضرورت حضور کارشناس برای اجرای رفع مهر و موم ترکه
۲۳۳	۵. عدم نیاز به جلب کارشناس برای تعیین میزان سرقفلی
۲۳۳	۶. صدور رأی قبل از جلب نظر کارشناس
۲۳۵	۷. قابل تجدیدنظر بودن بهای خواسته با احتساب هزینه دادرسی و کارشناسی
۲۳۶	۸. پرداخت خسارت ناشی از افتادن درخت پارک ملی از سوی شهرداری با بررسی کارشناس
۲۳۸	۹. ارتباط ماده ۵۴۰ قانون مجازات و ماده ۳۷ قانون استقلال کارشناسان
۲۳۹	۱۰. تعیین حق کسب و پیشه از سوی کارشناس
۲۴۱	اعتبار کارشناسی در نظریه‌های مشورتی
۲۴۳	۱. تکلیف پرداخت دستمزد کارشناسی در زمانی که طرفین، جلب نظر کارشناسی را تقاضا نموده باشند
۲۴۳	۲. افراز اراضی واقع در شهرها از طریق کارشناسی
۲۴۴	۳. رسیدگی و صدور حکم پس از اجرای نیابت قضائی و اعاده پرونده

۲۴۵ رد اکثریت کارشناسان
۲۴۵ ابداع دستمزد کارشناس
۲۴۷ پرداخت دستمزد کارشناس از طرف وخواه
۲۴۸ فراهم نکردن وسیله اجرای قرار کارشناسی موجب خروج کارشناس از عداد دلایل
۲۴۸ عدم حضور کارشناس در جلسه
۲۵۰ نیابت قضائی برای استماع توضیحات اطراف دعوا
۲۵۱ افزاز ملک محصور و در بسته طبق اظهار نظر کارشناس
۲۵۱ نظریه پزشک قانونی کارشناس در خصوص جنون با عدم جنون
۲۵۲ درخواست افراد ملک مشاعی از دادگاه با تعیین بهای اموال توسط کارشناس
۲۵۵ اعتبار کارشناسی در قوانین و مقررات
۳۲۵ منابع و مآخذ

مقدمه

معمولاً رویه عملی دادگاه‌ها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصادیق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات به صورت تئوری و بدون تطبیق با مصادیق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولاً چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاه‌ها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی و کالت، قضاوت و به‌طور کلی رشته حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاه‌ها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلاف‌نظرهای کسانی که هر روز به صورت عملی در حال انطباق قوانین با مصادیق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع محرک رشته حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوقدانان خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هرکدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی به صورت منظم و منحصربه‌فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه به صورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعوی... در رویه دادگاه‌ها» که شامل موارد زیر است تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛

۲. آرای اصراری؛

۳. آراء شعب دیوان عالی کشور؛

۴. آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر؛

۵. نشست‌های قضائی؛

۶. نظریه‌های مشورتی؛

۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

۸. نمونه دادخواست و معرفی دعوا.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعوا به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعه به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء دادگاه‌ها (دادگاه بدوی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد؛ مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد.
مختصر ویژگی‌های کتاب:

۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛

۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هر کدام از مطالب؛

۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛

۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛

۵. دسترسی سهل و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.

«گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پر بار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

یک هزار و سیصد و نود و هفت

فصل اول

معرفی اعتبار کارشناسی

اعتبار کارشناسی

کارشناسی از جمله دلایلی است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌کنند^۱ و از آن جایی که در یک دعوا هریک از اصحاب دعوا در مقام اثبات دعوا یا دفاع از آن، اگر مدعی امری گردند که محتاج به دلیل باشد، اثبات امر بر عهده مدعی است.^۲ لذا در صورت درخواست هریک از طرفین دعوا و همچنین تشخیص دادگاه جهت کشف واقعیت امر، دادگاه مبادرت به صدور قرار کارشناسی می‌نماید.

بنابراین کارشناسی از جمله وسایل اثبات دعوی است، بدین معنی که یکی از اصحاب دعوا قصد دارد با توسل به نظر کارشناس، ادعای خود را ثابت کند و از آن جایی که دلایل بعضاً فنی و تخصصی هستند و مسلماً قضات اشراف به جوانب تخصصی و فنی موضوع ندارند قاعداً متخصصین فن بایستی در خصوص صحت و سقم آن اظهار نظر نموده و نظریه تخصصی ارائه دهند.

لذا کارشناسی از جمله دلایل علمی است که در آن کارشناس آزادی کامل دارد که از تمام وسایل و امکانات لازم جهت رسیدن به پاسخی که به امتناع وجدان برسد استفاده نماید.

ولیکن بایستی این نکته مهم را در نظر داشت که هرچند قاضی تخصص فنی برای اظهار نظر در موضوع را نداشته و برای اظهار نظر، موضوع را نزد کارشناس مربوطه می‌فرستد؛ ولیکن مطابق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر قاضی تشخیص دهد که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت ندارد به آن توجه نمی‌نماید.

۱. رجوع شود به ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی.

۲. رجوع شود به ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی.



کارشناسی نیز مانند تحقیقات محلی و معاینه محلی از وسایل اثبات دعوا شمرده می‌شود که در قانون مدنی تصریح نشده^۱ کارشناسی یکی از طواری دادرسی ناشی از ادله است.^۲

نمونه آن طرح دعوای تخلیه از ناحیه موجر است که به جهت تعدی و تفریط مستأجر که تعدی و تفریط مستأجر دلیل اصلی صدور حکم تخلیه می‌باشد که این مهم حتماً بایستی با کارشناسی مشخص گردد در غیر این صورت امکان رسیدگی و ختم دادرسی وجود ندارد.

۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی-پیشرفته (جلد سوم)، تهران، دراک، ۱۳۸۷، ص ۳۰۶.

۲. همان، ص ۳۰۷.



مبحث اول: کارشناسی وارکن آن

در این مبحث به موارد ارجاع امر به کارشناسی به درخواست طرفین دعوا یا دادگاه که به صورت اختیاری یا اجباری است اشاره می‌کنیم.

گفتار اول: طرق درخواست کارشناسی

طبق ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی: «دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر نماید».

این ماده مؤید اختیاری بودن صدور قرار کارشناسی از جانب دادگاه می‌باشد که یا به تشخیص دادگاه یا درخواست هریک از اصحاب دعوا جهت صدور رأی شایسته صادر می‌گردد.

۱. اگر درخواست کارشناسی به خواسته یکی از طرفین دعوا باشد دادگاه تکلیفی برای پذیرش این درخواست ندارد.

«اگرچه بر محکمه لازم است که به دلایل مدعی و همچنین به مدافعات مدعی علیه کاملاً رسیدگی کند؛ ولی در عین حال در مقابل تقاضاهایی که هریک از طرفین دایر بر تحقیقات و یا معاینه محلی و یا رجوع به کارشناس می‌کنند محکمه با عدم تأثیر آن در کار، اجباری به قبول نداشته و در رد و پذیرش آن مختار است»^۱.

۲. اگر کارشناسی به تشخیص دادگاه باشد.

مطابق ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی، موافقت دادگاه در پذیرش کارشناسی به صورت صدور قرار کارشناسی اعلام می‌شود.^۲

۱. شماره حکم ۴۱۳۵ مورخ ۲۶/۸/۱۸ محکمه عالی انتظامی قضات.

۲. رجوع شود به مواد ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی.



مطابق رأی شماره ۱۵۴۱- ۱۷/۶/۳۰ دیوان عالی کشور رجوع به کارشناس بدون وجود حاجتی به اطلاعات فنی موجب نقض حکم است.

حکم شماره ۲۶۷۲- ۱۸/۲/۲۰ دادگاه عالی انتظامی قضات اعلام می‌دارد: در تعیین کارشناس بدون تراضی طرفین و یا عدم تراضی بدون قرعه تخلف است.

از این دو رأی می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر رأی در مرحله دیوان به جهت فرجام‌خواهی یکی از طرفین دعوا در حال ممیزی و بازبینی باشد و مرجع عالی دیوان متوجه عدم لزوم ارجاع امر به کارشناسی شود، رأی مستند به نظر کارشناس را به همین جهت نقض می‌نماید و بالعکس اگر مرجع عالی تشخیص دهد که دادگاه پایین جهت صدور رأی شایسته مکلف بوده، امر مربوطه که جنبه فنی و تخصصی داشته را به کارشناس ارجاع دهد؛ ولیکن خود رأساً اظهارنظر کرده، نقض می‌نماید.

و اگر به رأی اعتراض شود و در مرحله تجدیدنظر در حال رسیدگی باشد مرجع تجدیدنظر با چشم‌پوشی از نظر کارشناس که لزومی به اظهارنظر نبوده، خود رأساً رأی شایسته صادر می‌نماید.

باید توجه داشت که موضوع کارشناسی باید حتماً امری فنی و تخصصی بوده و قاضی نتواند بدون ارجاع به کارشناس به واقعیت دست یابد.^۱

تشخیص لزوم ارجاع امر به کارشناسی به نظر دادگاه می‌باشد در واقع اختیاری که مطابق قانون به دادرس داده شده که می‌تواند برای اثبات امری به کارشناس ارجاع دهد نشأت گرفته از تشخیص دادرس نسبت به فنی و تخصصی بودن موضوع است و لزوماً اگر موضوع تخصصی و فنی باشد باید دادرس که صلاحیت اظهارنظر را ندارد موضوع را جهت

۱. آیین دادرسی مدنی، مدرسان شریف (کارشناسی ارشد).